

طراحی رشته داده‌کاوی مبتنی بر آزمون‌های پیشاتفسیری به‌عنوان الگوی میان‌رشته‌ای در علوم انسانی متن‌محور

محمدحسن احمدی^۱

^۱ دانشیار دانشکده الهیات دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، ایران
ahmadi_mh@ut.ac.ir

چکیده

بخش مهمی از آن چه در علوم انسانی متن‌محور، در حال رخ دادن است، مربوط به فهم متن است که - علی‌رغم تبادر اولیه - ماهیت آن کاملاً تجربی و خارج از حیطه علوم انسانی است. واکاوی دلالت‌های متن - به‌ویژه از منظر تاریخی - نیازمند داده‌کاوی و استفاده از هوش مصنوعی و دانش میان‌رشته‌ای علوم انسانی دیجیتال (Digital Humanities) است. براین اساس، الگوی تأسیس رشته داده‌کاوی در علوم اسلامی متن‌محور، مبتنی بر آزمون‌های پیشاتفسیری متن، موضوع مقاله حاضر است.

کلمات کلیدی: علوم انسانی متن‌محور، الگوریتم استدلال، آزمون‌های پیشاتفسیری، علوم انسانی دیجیتال (Digital Humanities).

۱ مقدمه

بخش مهمی از آن چه در علوم انسانی متن‌محور، در حال رخ دادن است؛ مربوط به فهم متن است که - علی‌رغم تبادر اولیه - ماهیت آن کاملاً تجربی و خارج از حیطه علوم انسانی است. واکاوی دلالت‌های متن - به‌ویژه از منظر تاریخی - نیازمند داده‌کاوی و استفاده از هوش مصنوعی و دانش میان‌رشته‌ای علوم انسانی دیجیتال است. بر این اساس، الگوی تأسیس رشته داده‌کاوی در علوم اسلامی متن‌محور، مبتنی بر آزمون‌های پیشاتفسیری متن، موضوع مقاله حاضر است.

۲ زبان‌شناسی و علوم انسانی دیجیتال

به نظر می‌رسد که در عین این که تفسیر یا استناد به گزارش‌های تاریخی، امری متداول در اثبات مسائل دینی شمرده می‌شود؛ اما صرف نظر از مبانی، روش‌های روشنی نیز در این استناد وجود ندارد. پله اول در مواجهه با یک متن در ساختار، محک زدن فهم صحیح است نه واکاوی اصالت متن. مشکل تعدد فهم و بدفهمی، بیش

از آن که معلول تاریخی بودن متن باشد؛ ناشی از عدم توجه به زبان‌شناسی است. چنانچه صرف یادگیری زبان گویش یک کشور، ضرورتاً به معنای شناخت فرهنگ آن نیست؛ داننده گزارش‌های تاریخی نیز ضرورتاً یک تحلیل‌گر نخواهد بود. «زبان‌شناسی تاریخی»^۱ یا فنّ مواجهه با متون تاریخی، حوزه‌ای مهم در الهیات تاریخی و حلقه مفقوده «الهیات تاریخی» اسلامی است. این حوزه که مبتنی بر بررسی تغییرات تاریخی زبان به عنوان تکمیل کننده عوامل دخیل در فهم متن است؛ پاسخگوی بخش قابل توجهی از سؤالات مورد اشاره است.

علوم انسانی دیجیتال در حوزه مشترک رایانش یا فناوری اطلاعات و حوزه‌های مختلف علوم انسانی قرار دارد. این حوزه می‌تواند به مجموعه فعالیت‌هایی گفته شود که بر کاربرد پردازش رایانه‌ای داده‌ها یا فناوری‌های دیجیتال در علوم انسانی دلالت دارند.

۳ میان‌رشتگی

به‌طور کلی دو الگوی میان‌رشته‌ای وجود دارد. اول اینکه میان‌رشتگی در طراحی یک رشته خود را نشان دهد. دوم اینکه -بدون دخالت جدی در رشته‌های مادر- پروژه‌ها را به‌صورت میان‌رشته‌ای طراحی کنیم. چندضلعی بودن و پیچیدگی موضوعات، موجب شده تا ماهیت میان‌رشتگی، بیشتر بر الگوی دوم قابل تطبیق باشد. اما با این حال، در مواردی گریزی از تأسیس یک رشته با ماهیت میان‌رشتگی نیست. به عنوان نمونه، رشته مهندسی صنایع، یک میان‌رشته است که از تلفیق با دانش مدیریت به وجود آمده است. در واقع متخصصان حوزه مهندسی، به این نتیجه رسیدند که مهندسی، بدون توجه به فرآیندهای بازدهی و بهینه‌سازی، هدف مطلوب را تأمین نخواهد کرد. مشابه این نوع تعامل را -به‌صورت معکوس- در دانش علوم انسانی دیجیتال می‌توان مشاهده کرد. یعنی مطالعات متن‌محور در علوم انسانی به این نتیجه رسید که بدون بهره‌مندی از یک دانش تجربی، نمی‌توان این مطالعات را به سرانجام رساند.

میان‌رشتگی که امروز به میز کار تمامی رشته‌های علمی تبدیل شده است؛ مبتنی بر دو مسئله است: پیچیدگی و تخصص متقاطع. پیچیدگی به این معنا که موضوع مورد بحث، به تمام معنا یک مسئله علمی باشد. مسئله علمی زمانی که به نهایت ابهام و غموض می‌رسد؛ امر پیچیده‌ای می‌شود که حل آن از نیازمند ورود رشته‌های مختلف علمی است. اساساً حتی حل همان مسئله‌های به‌ظاهر بدیهی نیز نیازمند نگرش از زاویه علوم مختلف است. اما در مورد تخصص متقاطع، در گذشته، ممکن بود افرادی تخصص‌های مختلف را داشته باشند. امروز نیز تخصصی شدن علوم موجب شده تا هر فرد در حوزه‌ای متخصص باشد. اما نیاز است تا این تخصص از حالت موازی خارج شود و در یک موضوع یا مسئله، به هم برسند.

۴ استدلال در علوم انسانی، ماهیت تجربی یا وحیانی؟

علی‌رغم این تصور در علوم انسانی متن‌محور که متن دینی، محور آن‌هاست؛ که این علوم، وحیانی است؛ اما سازوکار استدلال و استناد به این متون، کاملاً تجربی و حاصل فرآیند استدلال بشری است. از همین روست

¹Historical Philology

که نتایج فهم متن‌های افراد مختلف، متکثر و متعدّدند. مشکل اصلی امروز پژوهش‌های علوم انسانی نداشتن ضابطه صحیح درست و استاندارد فهم متن است. در واقع سؤال مهم‌تری که به دنبال فراهم آمدن اطلاعات، جلوه‌گری می‌کند آن است که فرآیند استدلال -و به تعبیر دقیق‌تر در علوم اسلامی- فرآیند تجزیه و تحلیل متن چگونه سامان یافته است؟ در واقع مبنای مرحله دوم آن است که متن، تولید دانش نمی‌کند و صرف انباشت اطلاعات به تولید دانش نمی‌انجامد. از این رو باید متن را به دانش تبدیل کرد.

یکی از روش‌هایی که در دوره معاصر مطالعات اسلامی، بدان تکیه می‌شود؛ روش اسناد متن و تأکید بر همه قرائن متن است. فهم جامع و همه قرائن، بدون احضار هم‌زمان همه آن‌ها ممکن نیست. این هم‌زمانی احضار، تنها به مدد هوش مصنوعی و مبتنی بر طراحی الگوی استدلال مبتنی بر روش آزمونی تحلیل متن ممکن است.

یکی از ملاک‌های جرح و تعدیل روایات، بررسی آن‌ها با موازین عقلی است. البانی در مورد سخن ابن کثیر در رد یک روایت، چنین می‌گوید: ایراد قوی که به زعم ابن کثیر در این روایت وجود دارد که به نظر می‌رسد غیر معقول باشد...؛ جواب ما به او چنین است که گفته شده: اگر روایتی [در یک موضوع] وارد شد، نظر شخصی باطل است؛ پس بعد از اینکه صحت روایت، ثابت شد دیگر فرصتی برای انکار و استبعاد آن از واقعیت وجود ندارد. اگر ما شروع به انکار [روایت] به محض استبعاد عقلی نماییم، لازم می‌آید که بسیاری از احادیث صحیح را مردود بدانیم که چنین کاری در شأن اهل سنت و اهل حدیث نیست بلکه روش معتزله و اهل بدعت است (البانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۶۱۲).

پژوهش‌های بسیاری است که در آنها، پژوهشگر نسبت به مبانی و پیش‌فرض‌ها -بی‌ی که چه بسا خود به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم (با اتکا به مبانی دیگران) آنها را مفروض گرفته- بی‌توجه است. از سوی دیگر، متغیرهای به کارگرفته شده در تحلیل متون، بر اساس استاندارد خاصی تعیین نمی‌شوند. تحلیل‌های کمی هم که به مدد فراوری شدن متون، شیوع پیدا کرده است. این همه، گویای آن است که لازم است پیشنهاد طراحی الگوریتمی داده شود تا همواره به‌روزرسانی شده و در پیشخوان پژوهش‌ها قرار گیرند. روشن است که نه حافظه عادی پژوهشگر مجال این فرآیند به‌روزرسانی را دارد و نه اساساً حجم پژوهش‌های کنونی، اجازه پرداختن به این حوزه گسترده از مبانی و متغیرها را می‌دهد.

۵ آزمون‌های پیشاتفسیری متن

«آزمون‌های پیشاتفسیری متن»، تلاش می‌کند تا نوع مواجهه با متن به عنوان اصلی‌ترین اتفاق در حوزه پژوهش‌های علوم اسلامی متن‌محور را در قالب طراحی آزمون‌های مختلف، تبیین کند. مواجهه با گزاره‌های دینی به‌صورت ویژه متون حدیثی و تاریخی صرف نظر از روش تحلیل متن، نیازمند به یک سری اصول و آزمون‌های پیشینی است که متن را برای تفسیر، آماده می‌کند. فروکاستن از میزان تفاسیر نادرست از متون دینی در گستره‌ای وسیع و ایجاد زمینه برای اجتهاد صائب و تفسیر دقیق‌تر متن، از نتایج کاربردی آزمون‌های پیشاتفسیری متن است. پیشاتفسیری بودن این قواعد به این معناست که محقق هنگام تفسیر متن باید

موضوع خود را نسبت به نتایج این آزمون‌ها، مشخص کند. آزمودن متن قبل از تفسیر، عملاً متن را به صورت آماده و فراوری شده در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. نتیجه این محک و آزمایش متن، ضرورتاً تفسیر متن نیست؛ بلکه روی میز قرار دادن همه احتمالات ممکن متن، روی میزکار مفسر است؛ به طوری که زمینه را برای قضاوت بهتر مفسر و تفسیر دقیق‌تر متن فراهم کند. روشن است که هرچه تعداد این آزمون‌ها روی متن بیشتر باشد؛ درصد احتمال خطا و آسیب‌پذیری متن از جهت تفسیر به‌رأی کاهش می‌یابد (احمدی، محمدحسن، آزمون‌های پیشاتفسیری متن، ۱۴۰۲).

۶. ضرورت داده‌کاوی یا الگوریتم استدلال

مواردی که ضرورت تدوین الگوریتم استدلال متن‌محور را توجیه می‌کند عبارتند از:

۱.۶. متون فراوری شده

داده‌های مطالعات اسلامی نیز امروزه در مقایسه با داده‌های ادیان دیگر، قابل مقایسه نیست. در تاریخ تمدن اسلامی فقط در حوزه تفاسیری که بر قرآن کریم نگاشته شده، ما شاهد، صدها تفسیر هستیم. تحلیل این حجم انبوه از داده، جز به کمک ساختار منسجم و نه ذهن فردی، دقیق و صائب نیست.

۲.۶. دلالت‌های مختلف متن و نارسایی طبقه‌بندی‌های رایج متون

لازم است تا در الگوریتم پیشنهادی طراحی شده، اقدام به برچسب و عنوان‌زنی برای متون فارغ از ماهیت الفاظ آن کنیم. هوش مصنوعی باید بتواند خود غیر از برچسبی که کتاب به متن زده است؛ عنوان یا عنوان‌هایی برای آن تعریف کند. مثلاً چه بسا روایت در مورد الف است اما موضوع آن را مورد ب تشخیص دهد. اکثر مقالاتی که مدعی نوعی نوآوری‌اند به دلیل فهم جدید ایجاد شده در مورد متن تاریخ است.

۳.۶. ماهیت خودترمیمی متن

اساساً به صورت ذهنی و عملی دو روال کلی در تحلیل متن وجود دارد. نخست، رویکرد از جزء به کل و دوم، رویکرد از کل به جزء. رویکرد نخست، همان رویکرد رایج معناشناسی^۲ است. در این رویکرد که به شدت در محافل بومی، رایج است؛ فهم مفردات، مقدمه‌ای بر فهم ترکیبات و نهایتاً فهم جمله و کلام است. البته غیرقابل انکار است که این رویکرد - حداقل در نگاه نوپدید آن - نیز به شدت به نقش سیاق - با همه انواع آن - در فهم کلام ملتزم است. رویکرد دوم که رویکرد مختار ماست، فهم کلام را ترکیبی از فهم اجزای کلام نمی‌داند. در این رویکرد برای فهم معنای متن باید از کل به جزء رسید. برای رسیدن به این مقصود، اولویت دادن به سیاق کلام و مراد مؤلف است. اساساً تا خمیرمایه‌ای از اراده مؤلف در ذهن مخاطب جا نیفتد، کلمات بسان الفاظی مهممل هستند که در کنار هم آمده‌اند. از این منظر، تحلیل‌هایی که بر تحلیل لغوی متن تکیه می‌کنند؛ تلاش‌هایی پسینی و خارج از حوزه زبان‌شناسی به مفهوم Philology است بلکه این نوع تلاش‌های

²Logical Semantics

زبانی، از نوع Linguistic است. البته در شناخت علت رسوخ این رویکرد در میان تحقیقات بومی نباید نوع نگرش منطق دانان مسلمان به زبان را نادیده گرفت. هویت بخشی به لفظ بدون کاربرد، شالوده این نگرش است.

بنابراین خود متن نیز قابلیت تولید محتوا دارد (سطح دوم و تحلیل انعکاسی). به عبارتی دیگر خود متن می تواند ابزار فهم خود باشد. مثلاً معانی برخی الفاظ جمله، از طریق کلمات هم جوار به دست می آید. به عنوان نمونه مخاطب این متن که کرونا، جان بیست نفر را گرفت؛ می فهمد که کرونا، یک ویروس است و لزومی ندارد در کتب لغت به دنبال معنای واژه جان گرفتن، قتل و قاتل و جنگ و ... باشد.

۷ نتیجه گیری

رسیدن به الگوریتم استدلال قطعاً یکی از اولویتهای پژوهش در علوم انسانی به خصوص علوم اسلامی میان رشته ای در افق آینده پژوهی است. مسیر تحقیق از متون فراوری شده و آزمون شده می گذرد نه صرف جمع آوری اطلاعات غیرفراوری شده یا متون فراوری شده آزمون نشده. انجام استدلال و پردازش اطلاعات توسط یک الگوریتم استدلال متن محور، ضرورت تحقق علوم انسانی دیجیتال را توجیه می کند. تدوین الگوریتم استدلال مبتنی بر آزمون های پیشاتفسیری متن، از نتایج این تعامل میان رشته ای است.

مراجع

- [۱] بونیه، الان. الذكاء الاصطناعي، واقعه و مستقبله. ترجمه علی صبری فرغلی، کویت: عالم المعرفة، ۱۹۹۳.
- [۲] مینایی، بهروز. هوش مصنوعی در علوم اسلامی. جزوه موسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۸.
- [۳] احمدی، محمدحسن. زبان شناسی تاریخی در مطالعات حدیثی. دانشگاه قم، ۱۳۹۷.
- [۴] احمدی، محمدحسن. آزمون های پیشاتفسیری متن. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۲.
- [۵] احمدی، محمدحسن. طراحی الگوریتم استدلال، اولویت گام دوم در ارتقای علوم اسلامی. در مجموعه مقالات دومین کنفرانس فضای سایبر. دانشگاه تهران، آبان ۱۴۰۲.
- [۶] شیخ انصاری، مرتضی. فرائد الاصول. مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۳.

